

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



www.iran-archive.com

بیانیه

اعلام برنامه (هویت)

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جنبش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. این جنبش از شکل‌گیری اولین هسته‌های سوسیال دموکراسی تا امروز راهی سخت و دشوار را پشت سر گذرانده است. در مسیر این راه سخت و طولانی اگر بی‌عملی، تسلیم‌طلبی و خیانت رهبران حزب توده در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یک نقطه عطف منفی و آغاز یک شکست استراتژیک مشخص می‌شود، جسارت، شجاعت و اعتقاد به راه پرشکوه مبارزه برای رهایی از قید هرگونه ستم و استثمار توسط مارکسیست - لنینیست‌های انقلابی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به عنوان یک تولد نوین و آغاز پروسه‌ای جدید در جنبش کمونیستی ایران مشخص می‌شود. چریک‌های فدائی کبیر و ارزنده‌ای همچون رفقای شهید علی‌اکبر صفائی فراهانی، مسعود احمدزاده، امیر پرویز پویان، اسکندر صادقی‌نژاد، عباس مفتاحی و رهبر و فرماندهی شهید ما حمید اشرف با خون خود تمام آلودگی‌ها، رذالت‌ها و عوارض منفی خیانت‌های حزب توده را پاک نمودند و جنبشی با اصالت، عمق و وسعت پایه‌گذاری کردند. جرقه‌ای که در سیاهکل روشن شد و بدنبال آن عملیات انقلابی پیشگامان جنبش انقلابی ایران، مشت فرمیست‌ها و اپورتونیست‌ها را باز نمود. اپورتونیست‌ها بی‌عملی حسابگرانه‌ی خود را با تئوری‌های انحرافی توجیه و با درازگویی و پرمدعائی، نیروهای جنبش کمونیستی را به گمراهی سوق می‌دادند. مبارزه‌ی مسلحانه‌ی پیشگامان انقلابی راه را بر این مدعیان دروغین مارکسیست - لنینیست مسدود نمود. اکنون که پس از گذشت این سال‌ها به گذشته می‌نگریم و علیرغم مرزبندی که نظرات رفیق کبیر فدائی

شهید بیژن جزنی با نظرات رفقای کبیری همچون فدائی شهید مسعود احمدزاده دارد، این را می‌دانیم که بدون درس‌گیری و جمع‌بندی دقیق راهی که از سیاهکل آغاز شد و بدون تأیید مبارزهای که ضرورت‌های آن زمان ایجاب می‌کرد (نقش محوری و استراتژیک مبارزه‌ی مسلحانه طی سال‌های ۴۹ تا ۵۷) هرگز نه قادر به خلاصی از بحران کنونی جنبش کمونیستی و نه قادر به شرکت فعال در جنبش توده‌ای و کارگری و نه قادر به تشکیل حزب کمونیست خواهیم بود. ما اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم از شکست‌های پی‌درپی جنبش کمونیستی طی چهار سال گذشته بیاموزیم و با اتکاء به پتانسیل قوی اجتماعی که محصول مبارزه و خون پر ارزش‌ترین رفقایمان طی سال‌های ۴۹ تا ۵۷ و بعد از آن تاکنون می‌باشد و با اتکاء به مارکسیسم - لنینیسم نه به مثابه‌ی یک "شریعت جامد" بلکه به مثابه‌ی "رهنمون عمل" این راه را در مسیری سخت، طولانی و پیچیده طی نمائیم.

اگر برنامه‌ی فوق که محصول جمع‌بندی پراتیک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ایرانست بتواند در این راه گامی هر چند کوچک بردارد، ما به سهم خود وظیفه‌ی خود را در قبال خون رفقایمان و مبارزه‌ی محرومان و ستم‌دیدگان جامعه انجام داده‌ایم. ما اصول اساسی این برنامه را اولین گام در جهت برون رفت از بحران (بی‌هویتی) جنبش کمونیستی ایران می‌دانیم و آن را به همه‌ی رزمندگان راه‌رهایی کارگران و زحمتکشان و همه‌ی انقلابیونی که در سنگرهای مستحکم انقلاب خلق‌های ایران به مبارزه ادامه می‌دهند و همه‌ی شهدای راه آزادی ایران تقدیم می‌کنیم.

ما از همه‌ی رفقای فدائی و انقلابیون کمونیست که طی مبارزه در چهار سال گذشته به عمق بحران ناشی از بی‌برنامه‌گی و فقدان خط و مرزهای صریح و معین پی برده و با برنامه‌های انحرافی راست و "چپ" مرزبندی دارند، می‌خواهیم که پیرامون این برنامه متشکل شوند. ما از طرفداران نظرات فدائی شهید رفیق کبیر بیژن جزنی می‌خواهیم که با تعمق در جوهر نظرات وی و درک عمیق برنامه‌ی فوق به صفوف ما بپیوندند.

ما که بیش از هر نیروی مارکسیستی - لنینیستی دیگر رنج پراکندگی را در صفوف خود درک کرده‌ایم، ما که مارکسیسم را نه فقط یک ایدئولوژی علمی بلکه یک شور و شوق انقلابی برای تغییر شرایط کنونی می‌دانیم، ما که بخوبی می‌دانیم برای تغییر شرایط کنونی به اراده‌ی واحد انقلابی

احتیاج داریم؛ این را هم درک می‌کنیم که این اراده‌ی واحد محصول درک واحد از شرایط مشخص اجتماعی است. از این رو مرزبندی‌های موجود در این برنامه نشان‌دهنده‌ی درک ما از شرایط مشخص جامعه و چگونگی وضعیت عینی طبقات اجتماعی در ایران می‌باشد. ما ایمان داریم که نیروهائی که با گام‌های سنجیده و مستحکم در جهت تحقق این برنامه متشکل و به مبارزه ادامه می‌دهند قادر به انجام وظایف تاریخی خود می‌باشند.

ما بویژه از کارگران پیشرو ایران که عملاً بیلان کار سازمان‌های مدعی دفاع از منافع طبقه‌ی کارگر را مشاهده نموده و بیش از این نمی‌خواهند دنبال‌روی تئوری‌های اپورتونیستی راست و "چپ" که نمایندگان برجسته‌ی آن، خائنین توده‌های و اکثریتی از یک طرف و پیکاری‌ها و تروتسکیست‌ها و التقاطیون رنگارنگ از طرف دیگر باشند، با پذیرش این برنامه به مداخله‌ی جدی در امور مبارزه‌ی طبقاتی اقدام نمایند. مبارزه‌ی سخت و دشواری که در پیش است، چشم‌اندازهای روشنی را نوید می‌دهد. پیکار سهمگینی که بار عظیم آن اکنون بر دوش محرومان و ستمدیدگان جامعه‌ی ما سنگینی می‌کند، صبح روشنی را نوید می‌دهد. انقلاب در چهار گوشه‌ی جهان درفش رهائی را به اهتزاز درآورده است. پیروزی‌های چشمگیر توده‌های محروم سراسر جهان و مبارزه‌ی برحق مردم ستمدیده‌ی ما نشان می‌دهد که تاریخ "توالی چشم‌اندازهای بی‌بازگشت است." (۱) پس بکشیم تا پوزه‌ی امپریالیسم و ارتجاع را بر خاک مالیم و با پیروزی بر دژخیمان و راهزنان امپریالیستی در جهت تحقق هر چه بیشتر وحدت کارگران و خلق‌های سراسر جهان موثر باشیم. (۲)

بخش اول: اصول ایدئولوژیک - سیاسی

۱ - دوران ما، دوران پرتلاطم انقلابات در سراسر جهان و رهائی محرومان از سلطه‌ی استثمار و ستم امپریالیسم، دوران انقلابات پرولتری و رهائی‌بخش خلق‌های سراسر جهان و دوران فروپاشی و اضمحلال استعمار کهن، دوران فروپاشی جبهه‌ی جهانی امپریالیستی و گسترش و بالندگی سوسیالیسم در سراسر جهان (۳)، دوران پیشرفت و گسترش مبارزه‌ی دمکراتیک برای صلح و تشنج‌زدائی است. مضمون اساسی دوران معاصر، گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است (۴). و تمام دگرگونی‌های اجتماعی،

علمی و فنی در این راستا قرار دارد. مجموعه‌ی تحولات این دوران را مبارزه برای رهائی (استقلال ملی)، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم (۵) تشکیل می‌دهد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمام مرتجعین وابسته بدان در مسیری میرنده و زوال‌یابنده قرار گرفته و نیروهای جهانی انقلاب در مسیری بالنده و رشد‌یابنده قرار دارند. طبقه‌ی کارگر بین‌المللی در راس این دوران و نیروی اصلی و تعیین‌کننده در صف نیروهای جهانی انقلاب است. لنینیسم، مارکسیسم عصر کنونی و انقلاب کبیر اکتبر، مهمترین تحول (۶) در آغاز عصر کنونی است.

۲ - بحران عمومی امپریالیسم در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک عمق و وسعت گرفته و تضادهای بین امپریالیست‌ها و نیز تضاد بین انحصارات داخل یک کشور امپریالیستی (۷) بیش از پیش حدت می‌یابد. وخامت اوضاع اقتصادی، ناموزونی آهنگ رشد، تورم مزمن، فقر، رکود اقتصادی، بیکاری و فلاکت کارگران و تولیدکنندگان کوچک، فحشاء، بالا رفتن هزینه‌ی زندگی و نیز بحران محدودیت بازارها، نمودهای بارز حدت‌گیری تضادهای طبقاتی و تضادهای درونی سیستم جهانی امپریالیستی می‌باشد. از این رو جنگ‌های امپریالیستی چه به صورت جهانی و چه به صورت منطقه‌ای هر چندگاهی اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. مبارزه‌ی دمکراتیک برای صلح بوسیله‌ی نیروهای جهانی انقلاب اگر چه تا حدودی قادر به کنترل جنگ‌افروزی امپریالیست‌ها بوده است، ولی تعادل قوا در سطح جهانی به شکلی است که هنوز گرایش اصلی و ذاتی امپریالیسم به جنگ و توسعه‌طلبی، امکانات بروز وسیع دارد. از این جهت مبارزه برای صلح، تشنج‌زدائی و خنثی کردن توطئه‌های جنگ‌افروزانه‌ی امپریالیست‌ها بر بستر استراتژی انقلابی برای نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری انحصاری نقش حیاتی دارد.

۳ - رهائی طبقه‌ی کارگر ایران می‌تواند فقط بدست خود طبقه‌ی کارگر صورت گیرد. تمام طبقات دیگر جامعه در اساس خواهان حفظ مناسبات سرمایه‌داری هستند. طبقه‌ی کارگر این رهائی را اساساً با یک انقلاب اجتماعی مقدور می‌سازد.

توسعه‌ی بین‌المللی مناسبات سرمایه‌داری و ستیز (۸) بین نیروهای تولیدی و مناسبات سرمایه‌داری که با اجتماعی شدن هر چه بیشتر تولید و

خصوصی شدن هر چه بیشتر مالکیت و تبدیل هر چه بیشتر نیروی کار به "کالا" مشخص می‌شود، از یک طرف و از طرف دیگر دست‌آورد‌های طبقه‌ی کارگر پیروزمند در کشورهای سوسیالیستی شرایط مادی این انقلاب اجتماعی را در عصر کنونی و در مقیاس بین‌المللی فراهم ساخته است.

براین اساس پرولتاریا باید طی یک مبارزه‌ی سخت و طولانی قدرت سیاسی را بدست آورد، تا با تسلط بر جامعه و به مثابه‌ی "مغز و قلب" جامعه تمام موانعی را که بر سر راه سوسیالیسم قرار دارد برطرف نماید. "دیکتاتوری پرولتاریا پیش شرط لازم برای انقلاب اجتماعی است" و نیز طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند به قدرت دست یابد مگر اینکه به قهر انقلابی متوسل شود. گذار قهرآمیز قانون عام در انقلاب اجتماعی است.

۴ - طبقه‌ی کارگر ایران که برای رهائی کامل خود مبارزه می‌کند نمی‌تواند این رهائی را بدست آورد مگر اینکه حزب انقلابی خود یعنی حزب کمونیست ایران را تشکیل دهد و با این اعتقاد که رهائی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر در گام نخست از طریق رهائی طبقه‌ی کارگر در چارچوب "ملی" خود می‌باشد و با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص این راه را طی نماید.

۵ - ما بمثابه‌ی یک جریان مارکسیست - لنینیست در ایران که از سنت‌های انقلابی و کمونیستی تاریخ گذشته‌ی ایران درس می‌گیریم، خود را ادامه‌دهنده‌ی راهی می‌دانیم که با ایجاد اولین هسته‌های سوسیال دموکراسی در ایران آغاز شد و توسط رزمندگان دلیر سیاهکل به دوران نوینی پا نهاد. ما خود را جزئی از جنبش جهانی کمونیستی و کارگری دانسته و در راه استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم. ما معتقدیم که بدون حفظ استقلال ایدئولوژیک و انکاء به خود هرگز قادر به انجام وظایف انترناسیونالیستی (۹) خود نیستیم. ما استراتژی و تاکتیک خود را نه با الهام از قطب‌های جهانی کمونیستی، بلکه بر اساس شرایط عینی و ذهنی جامعه‌ی ایران و منافع اساسی طبقه‌ی کارگر و خلق‌های تحت ستم ایران اتخاذ می‌نمائیم.

از این رو ما معتقدیم مبارزه برای سوسیالیسم بدون توجه به اوضاع و احوال کنونی و مرحله‌ی مشخص رشد و تکامل جامعه و نیز مناسبات اجتماعی مسلط بر جامعه‌ی ایران غیر ممکن است. ما با ذهنی‌گرایان و سکتاریست‌ها که می‌خواهند یک‌شبه ره صدساله را بپیمایند مرزبندی داشته و معتقدیم که این

مبارزه راهی سخت و طولانی است. اما این را هم تاکید می‌کنیم که مبارزه‌ی پیگیر برای استقلال و دموکراسی بمتابه‌ی اهدافی که بدون دسترسی بدان تحقق سوسیالیسم غیر ممکن است نباید مانع تبلیغ و ترویج مداوم ما در مورد آشتی‌ناپذیر بودن تضاد پرولتاریا و بورژوازی و نیز سوسیالیسم بمتابه‌ی قطعی‌ترین و نهائی‌ترین راه رهائی کارگران و زحمتکشان شود. از این جهت ما همچنین با نظرات سوسیالیست‌های تخیلی معتقد به راه رشد غیر سرمایه‌داری بدون رهبری طبقه‌ی کارگر که نماینده‌ی برجسته‌ی آن حزب خائن توده و خائنین موسوم به اکثریت است، قاطعانه مبارزه و مرزبندی می‌کنیم.

۶ - ما که خود را جزئی از جنبش جهانی کمونیستی و انقلابی می‌دانیم معتقدیم که: سه روند انقلابی در جهان کنونی یعنی مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی ملل تحت ستم، کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مترقی و کارگران کشورهای سرمایه‌داری علیه امپریالیسم، سه روند انقلابی کل یک جریان واحد انقلاب جهانی می‌باشند که باید سیاست همکاری اصولی، برابر، انقلابی و انترناسیونالیستی با هم داشته و در راه تحقق آرمان‌های خود و با حفظ مواضع مستقل ایدئولوژیک - سیاسی و اتکاء به منافع کارگران و زحمتکشان کشور خود بکوشند. در همین رابطه ضمن اینکه ماهیت احزاب کشورهای سوسیالیستی را در مجموع پرولتری و سوسیالیستی می‌دانیم اما در سیاست و ایدئولوژی مرزبندی‌های روشنی نیز با آنها قائلیم؛ منجمله در مورد حمایت از رژیم ارتجاعی خمینی و یا حمایت از احزابی نظیر حزب توده. از سوی دیگر ما با تزه‌های ارتجاعی "سوسیال امپریالیسم" و یا تزه‌های التقاطی که نهایتاً ماهیت پدیده‌ی مورد بحث را صریح و روشن مشخص نمی‌کنند و به صرف کلی‌گویی‌هایی چون "رویزیونیسم غالب"، "سلطه‌ی روزیونیسم"، "دولت کارگران و خرده بورژوازی" و نظایر آن به گیج سری در جنبش کمونیستی دامن می‌زنند، مرزبندی قاطع داریم.

۷ - میهن ما ایران یک جامعه‌ی تحت سلطه‌ی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم جهانی نواستعمارپرست. مناسبات تولیدی در جامعه‌ی ایران سرمایه‌داری وابسته است.

با تحولات رفرمیستی اوائل دهه‌ی چهل که در رفوم ارضی، توسعه‌ی صنایع مونتاز و... متجلی شد، وجه تولید سرمایه‌داری وابسته به جای مناسبات نیمه فئودالی بر ایران مسلط شد. فئودالیسم بعنوان یکی از

پایگاه‌های امپریالیسم از قدرت سیاسی و اجتماعی حذف و سرمایه‌داری وابسته بعنوان تنها کانال تامین منافع امپریالیسم درآمد. این تحول که ناشی از نیازهای سیستم جهانی امپریالیستی و در راس آنها امپریالیسم آمریکا به بازارهای جدید و نیز رشد تضادهای درونی سیستم حاکم بود، به هیچ روی در جهت منافع اساسی توده‌ها، بهبود وضعیت آنها، دگرگونی بنیادی نیروهای مولد، استقلال ملی و دمکراتیزه کردن جامعه نبود، بلکه منجر به ادغام کامل‌تر ایران در بازار جهانی سرمایه‌داری و تقسیم بین‌المللی کار گردید. وابستگی به امپریالیسم و سرمایه‌داری دو جزء ارگانیک نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران محسوب می‌شود. وابستگی به امپریالیسم مانع اصلی هر تحول انقلابی در جامعه‌ی ما و نقش تعیین‌کننده در غیر بنیادی، بیمارگونه و عقب مانده بودن نیروهای تولیدی جامعه‌ی ما دارد. امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته اصلی‌ترین و نخستین مانع رشد نیروهای مولده و تکامل جامعه و نیز رشد و تکامل مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا می‌باشد. از این رو هر تحول انقلابی در میهن ما باید بدون آنکه در مسیر رشد سرمایه‌داری حرکت کند، این مانع اصلی را از جلو رشد نیروهای مولده‌ی جامعه و نیز بسط کامل و همه‌جانبه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا بردارد.

۸ - تولید و فروش نفت خام نقشی استراتژیک در اقتصاد ایران داشته و دارد. وابستگی به امپریالیسم سبب آن گردیده که مردم ایران نتوانند از این منبع عظیم به سود پیشرفت، رفاه و ترقی خود استفاده نمایند. درآمد نفت نه در جهت منافع توده‌های مردم و پیشرفت اجتماعی، بلکه در جهت گرداندن چرخ‌های ماشین دولت‌های ارتجاعی حاکم بر ایران و مخارج دستگاه‌های عظیم بوروکراسی آنها بکار گرفته می‌شود.

اتکاء به درآمد نفت بعنوان تنها محصولی که می‌تواند مخارج دولت و ارگان‌های مربوط را تامین کند. مصرف عمده‌ی درآمد نفت در دستگاه بوروکراسی سیاسی و نظامی مانع قطبی شدن هر چه بیشتر طبقات و توسعه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی است. تولید تک محصولی نفت در نقش دولت و دستگاه بوروکراتیک آن در حیات اقتصادی جامعه بصورت عاملی تعیین‌کننده درآمد است.

۹ - وجه مشخصه‌ی قدرت سیاسی در جامعه‌ی تحت سلطه‌ی ما دیکتاتوری ارتجاعی همراه با قهر عریان و سیستماتیک است. این قدرت سیاسی در

جامعه‌ی تحت سلطه اساسی‌ترین تکیه‌گاه امپریالیسم بوده و مهمترین و اساسی‌ترین مانع در مبارزه‌ی طبقاتی می‌باشد.

قدرت سیاسی در جامعه‌ی نو مستعمره‌ی ما عموماً بر بورژوازی انحصاری بوروکراتیک متکی است. بخش دولتی اقتصاد (سرمایه‌داری دولتی) در خدمت این قدرت و نقطه‌ی اتکاء اصلی آنست. بخش‌های متوسط، غیر بوروکراتیک و غیر انحصاری بورژوازی بطور عمده از قدرت سیاسی محروم و از این‌رو شکل دولت در جامعه‌ی تحت سلطه با جوامع کلاسیک سرمایه‌داری که اقشار مختلف بورژوازی در قدرت سیاسی شریک و از طریق پارلمان بورژوائی مناسبات متضاد خود را تعیین می‌کنند، متفاوت است. بخش متوسط بورژوازی وابسته در شبکه‌ی وابستگی بورژوازی ایران، حلقه‌ی ضعیف آن را تشکیل می‌دهد و از این‌رو با بورژوازی بزرگ (بوروکراتیک و انحصاری) دارای تضادهائی می‌باشد که ریشه‌ی آن در فقدان آزادی بورژوازی متوسط برای بهره‌وری کافی از نیروی کار و استفاده از ارزش اضافی بوجود آمده در جامعه و همچنین فقدان شراکت در تقسیم درآمد حاصل از فروش نفت خام است. در حوزه‌ی سیاسی، این بخش از بورژوازی به میزانی محدود از آزادی‌های سیاسی دفاع می‌کند. وجود این قشر از بورژوازی در جنبش ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری منبع و منشاء گرایشات رفرمیستی، لیبرالیستی و محافظه‌کارانه در جنبش خلق است.

۱۰- انقلاب ایران یک انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی (رهائی بخش) و توده‌ای می‌باشد.

نظر به اینکه ایران یک کشور تحت سلطه‌ی امپریالیسم است، نظر به وجود گرایشات وسیع مبارزه‌ی دمکراتیک در توده‌ها که ناشی از تضاد توده‌های خلق با سلطه‌ی امپریالیسم است و نیز بعلت عدم تکامل همه‌جانبه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا که از ضعف عینی و ذهنی آن ناشی می‌شود، مجموعه‌ی شرایط عینی و ذهنی برای یک انقلاب سوسیالیستی (که تنها انقلاب اجتماعی در عصر کنونی است) فراهم نیست. (۱۰) از این‌رو انقلاب ایران در مرحله‌ی کنونی یک انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی (ملی یا رهائی بخش) و توده‌ای می‌باشد. اهداف این انقلاب، کسب استقلال ملی (قطع سلطه‌ی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم) دمکراتیزه کردن جامعه و تأمین آزادی‌های سیاسی، مدنی و نیز رشد نیروهای مولده‌ی اصیل و بنیادی

جامعه است. خصلت اساسی این انقلاب، دمکراتیک بودن آن است. این انقلاب بدون گذار از رشد سرمایه‌داری، شرایط رشد و تکامل مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا را فراهم ساخته، زمینه را برای گذار به انقلاب اجتماعی بعنوان فاز بعدی انقلاب دمکراتیک فراهم می‌سازد. این انقلاب جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریاست. طبقه‌ی کارگر ایران که اساساً برای یک جامعه‌ی سوسیالیستی و عاری از ستم و استثمار مبارزه می‌کند و پیگیرترین طبقه‌ی انقلابی است که منافع خود را در تحقق هر چه رادیکال‌تر اهداف انقلاب دمکراتیک می‌بیند و پیروزی قطعی و نهائی این انقلاب منوط به رهبری این طبقه در انقلاب است. باید نیمه پرولتاریا و اقشار مختلف خرده بورژوازی شهر و روستا را با خود متحد نموده و با منفرد نمودن گرایش‌های فرمیستی و لیبرالیستی محافظه‌کارانه و بوسیله‌ی ارتش انقلابی خلق که جزئی از جبهه‌ی انقلابی خلق می‌باشد سلطه‌ی سیاسی امپریالیسم و وابستگان بدان را سرنگون ساخته و جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و اقشار مختلف خرده بورژوازی (جمهوری دمکراتیک خلق) را مستقر سازد.

بخش دوم: وظایف مارکسیست - لنینیست‌ها در شرایط کنونی

رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی حاکم بر ایران با اتکاء بر سرنیزه و سرکوب تمام آزادی‌های دمکراتیک، با ایجاد شرایط قرون وسطائی در جامعه، با غارت و چپاول ثروت‌های ملی ما و به هدر دادن منابع انسانی و مالی جامعه‌ی ما در جنگ ارتجاعی ایران و عراق هر دم به بحران عمومی دامن می‌زند. سلطه‌ی دستگاه آخوندها و ولایت فقیه به رهبری خمینی پلید و انجام وظائف ضد انقلابی این دستگاه اهریمنی تاکنون بیشترین منافع را برای امپریالیست‌های جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیشترین خسران را برای توده‌های محروم ایرانی داشته است.

اما از جهت دیگر تضاد تاریخی دستگاه ایدئولوژیک این رژیم با دستگاه اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه‌داری وابسته‌ی ایران و نیز حذف جناح‌های مختلف که در ابتدا در قدرت سیاسی سهم بودند، که نتیجه‌ی آن تمرکز دستگاه‌های مختلف اداری و نظامی رژیم کنونی در دست خمینی و معتقدین به ولایت فقیه و نیز مبارزه و مقاومت سراسری مردم قهرمان ایران و انقلابیون جان بر کف آن، هر گونه امکان تغییر این رژیم به یک رژیم ضد انقلابی دیگر

را حداقل در چشم‌انداز نزدیک از بین برده است. بحران انقلابی کنونی در جامعه‌ی ما بدون یک راه حل انقلابی و متکی بر اراده‌ی انقلابی مردم هیچگونه راهی جز تداوم عمر ننگین این رژیم ارتجاعی ندارد. در شرایط کنونی تمام تضادهای ناشی از وجود رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با دستگاه عریض و طویل ضد انقلابی وابسته به خمینی گره خورده و لبه‌ی تیز حمله‌ی مردم و کانون ستیز تضادها وجود این دستگاه ضد انقلابی که نماینده‌ی آن خمینی می‌باشد، است.

از این‌رو ما این رژیم را همان رژیم خمینی دانسته و هیچ آینده‌ای و راهی جز سپردن آن به گورستان تاریخ برایش قائل نیستیم. از این زاویه است که ما از مبارزه‌ی انقلابی شورای ملی مقاومت به مثابه تنها آلترناتیو دموکراتیک موجود و نیز از مضمون دموکراتیک سند شماره‌ی ۳ مصوبه‌ی اولین اجلاس‌هی شورای ملی مقاومت تحت عنوان "وظایف مبرم دولت موقت" به عنوان مبنائی برای اقدامات مبرم و نیز از طرح صلح شورای ملی مقاومت که در تاریخ ۶۱/۱۲/۲۳ اعلام شد به مثابه‌ی طرحی که یک صلح دموکراتیک بدون هر گونه الحاق‌طلبی، بدون مقابله‌نامه یا پروتکل سرکوبگرانه را تضمین می‌نماید، پشتیبانی و حمایت فعال می‌کنیم. همچنین برای حفظ و روشن بودن خط و مرزهای خود در درون مبارزه‌ی متحد خلق وظایف مارکسیست-لنینیست‌ها را در شرایط کنونی به قرار زیر اعلام می‌نمائیم:

۱ - در شرایط کنونی گام نخست برای استقرار جمهوری دموکراتیک خلق سرنگونی رژیم خمینی است و مبارزه برای سرنگونی این رژیم از طریق بسیج انقلابی توده‌های مردم پیرامون شعارهای صلح و آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها میسر است. این بسیج باید به شکلی سازمان داده شود که رژیم ارتجاعی حاکم از طریق یک قیام مسلحانه‌ی توده‌ای و سراسری (در شهر و روستا و با نقش تعیین‌کننده‌ی شهرهای بزرگ) سرنگون و دولت موقت انقلابی (بمثابه ارگان قیام پیروزمند خلق) جایگزین آن شود. دولت موقت انقلاب با اتکاء به توده‌های سازمان‌یافته در شوراها و دیگر ارگان‌های اقتدار توده‌ای باید با سرکوب هر گونه مقاومت ضد انقلابی و ارتجاعی بقایای رژیم موجود و ضد انقلاب سرنگون شده در قیام ۲۲ بهمن و ایجاد شرایط دموکراتیک، مجلس موسسان انقلابی و دموکراتیک بر اساس حق رای مساوی، مستقیم و مخفی را فرا خواننده و حاکمیت را به مردم تفویض نماید.

۲ - ما بمثابة یک جریان مارکسیست - لنینیست خود را مجاز می‌دانیم با شرکت در ائتلافات مترقی که مانع تبلیغ و ترویج مستقل ما نشود در دولت موقت انقلابی بمثابةی ارگان قیام پیروزمندانه شرکت نموده و در هر مرحله از خواست‌های زیر برای توده‌های مردم چه بصورت اقدامات فوری و چه بصورت اقدامات مرحله‌ای و چه در مجلس موسسان انقلابی و دموکراتیک پیگیرانه دفاع نمائیم. دفاع از خواست‌ها و برنامه‌ی زیر بمثابةی برنامه‌ی مستقل پرولتاریا ما را مجاز می‌سازد که از هر جنبش یا نیروئی که از بخشی یا تمامی این خواسته‌ها دفاع و بدان عمل نماید، حمایت فعال نمائیم.

۳ - انحلال تمام دستگاه‌های اداری و نظامی موجود و ایجاد ارگان‌های اقتدار توده‌ای شامل

الف - انحلال کلیه‌ی نهادهای بوروکراتیک کنونی و لغو سیستم انتصابی مقامات. مقامات دولتی باید انتخابی و انتخاب‌کنندگان یعنی مردم هر زمان که اراده کنند، می‌توانند آنها را عزل کنند.

ب - سیستم قضائی موجود و تمام دادگاه‌های ویژه، دادگاه‌های باصطلاح انقلاب اسلامی، شورای عالی قضائی و غیره منحل و به جای آن دادگاه‌های خلق ایجاد خواهد شد. تمام محاکمات علنی خواهد بود.

ج - ارگان‌های سرکوب و تفتیش عقاید مردم از قبیل کمیته‌ها، پاسداران، دوایر سیاسی - ایدئولوژیک، جاش‌ها و بسیج، انجمن‌های اسلامی، جهاد سازندگی، بنیادهای مختلف، امور تربیتی، شورای انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی، شهربانی منحل و خلع سلاح خواهند شد و نیروهای مسلحی که در جریان سرنگونی رژیم شرکت دارند (یعنی توده‌های مردم) زیر سازماندهی شوراها و ارگان‌های مردمی به حفظ و حراست داخلی انقلاب می‌پردازند.

د - جایگزین کردن ارتش خلقی متشکل از توده‌های مسلح مردم ایران و کلیه‌ی افراد میهن‌پرست، انقلابی و شرافتمند ارتش، شامل سربازان، درجه‌داران و افسران جزء به جای نظام امپریالیستی ارتش کنونی. این ارتش مردمی و انقلابی در چارچوب منافع انقلاب و خلق عمل خواهد کرد و ارگان مسلح واقعی توده‌ها خواهد بود. همچنین ارتش انقلابی ایران ارگان دفاع از میهن انقلابی و دموکراتیک ایران، استقلال ملی، صلح و همزیستی بین‌المللی خواهد بود.

۴- تأمین آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها شامل

الف - آزادی کامل عقیده و بیان، لغو هرگونه سانسور و تفتیش عقاید، تأمین آزادی هرگونه تشکل و انجمن (اتحادیه، سندیکا، کانون، شوراها، و...) آزادی‌های احزاب و سازمان‌های سیاسی. تأمین آزادی مطبوعات و انتشارات بدون هرگونه سانسور و تأمین آزادی گردهم‌آئی، اجتماع، تظاهرات، آزادی مذهب، آزادی میتینگ، آزادی اعتصاب، ممنوعیت بی‌قید و شرط شکنجه، جاسوسی و تفتیش. الغاء بدون قید و شرط هرگونه ستم و محدودیت ملی، فرهنگی، قومی و نژادی. آزادی زندانیان سیاسی. محاکمه‌ی تمام متهمین در دادگاه‌های علنی و عادی و برخورداری کامل آنها از حق انتخاب وکیل، دفاع و دادرسی.

ب - لغو هرگونه تبعیض بر پایه‌ی جنسیت و رعایت کامل حقوق اجتماعی زنان، بنحوی که زنان از حقوق اجتماعی مساوی با مردان برخوردار باشند و هرگونه ستم و تبعیض بر پایه‌ی جنسیت ملغی شود. زنان باید آزادانه در تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت کنند و تمام قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، نظیر حق طلاق یک جانبه، تعدد زوجات و صیغه باید لغو شود. مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم به زنان هست، لغو شود. زنان باید در ازای کار مساوی با مردان از حقوق و مزایای کامل و سایر تسهیلات چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار برخوردار باشند. کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آنان زیان‌آور است ممنوع اعلام شود. به زنان قبل و بعد از زایمان مرخصی با حقوق بر طبق استانداردهای جدید بین‌المللی بدون کسر حقوق و با استفاده‌ی مجانی از امکانات پزشکی و داروئی داده شود.

ج - جدائی کامل دستگاه مذهب از سیستم دولتی. بدین ترتیب که هرگونه مذهب رسمی، هرگونه امتیاز ویژه برای یک مذهب خاص و تبعیض بر اساس مذهب، ذکر نام دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی ملغی شود. همچنین اجرای مراسم و آئین‌های تمام مذاهب باید آزاد و هیچ مانعی بر سر راه اجرای مراسم مذهبی و سنتی نباشد. روحانیون مساجد و یا دیگر نهادهای مذهبی نباید هیچگونه بودجه‌ای از دولت دریافت کنند. شرعی کردن قوانین نظیر لایحه‌ی قصاص باید ملغی شود. تدریس اجباری مذهبی در مدارس و آموزشگاهها حذف شود. آموزش عرفی از آموزش شرعی جدا و

تبلیغ و تدریس امور دینی بعهده‌ی نهادهای مذهبی خواهد بود که می‌توانند آزادانه به فعالیت خود ادامه دهند. بدیهی است که این امر نیابستی بمتابه ممنوعیت مداخله‌ی نیروهای اصیل و انقلابی مذهبی (که در امر سرنگونی رژیم خمینی و مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک نظیر مجاهدین خلق ... شرکت دارند) در امر سیاست و دولت تلقی شود. موضع ما در این رابطه به کلی با مواضع قریبکارانه‌ی جریان‌ات بورژوائی و دست‌نشانده‌ی امپریالیسم متفاوت است.

د - حق ملل در تعیین سرنوشت خویش.

کمونیست‌ها در اصول به حق تعیین سرنوشت ملیت‌ها چنانکه در کلیه‌ی متون اساسی مارکسیسم - لنینیسم آمده است معتقدند. از این رو حق ملل ساکن ایران باید در تعیین سرنوشت و اداره‌ی امور داخلی خویش به شکلی آزاد و دموکراتیک به رسمیت شناخته شود. اما اعتقاد ما به این اصل، نه فقط به معنی پیشنهاد کردن و یا درست دانستن "جدائی" نیست، برعکس ما با توجه به اوضاع داخلی و بین‌المللی و با توجه به سیاست‌های ارتجاعی امپریالیستی هر نوع ایده‌ی جدائی را ناشی از شوینیسم بورژوائی ملل تحت ستم دانسته و آن را علیه زحمتکشان این ملل می‌دانیم. بنظر ما منافع طبقه‌ی کارگر سراسر ایران و زحمتکشان ملیت‌های سراسر ایران در اینست که بر اساس وحدت داوطلبانه و انقلابی مشترکا یک دولت انقلابی و مقتدر سراسری تشکیل دهند. در چارچوب ایران انقلابی و دموکراتیک، ملل ساکن ایران از حقوق کامل و برابر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برخوردار بوده و هر گونه اعمال ستم و قائل شدن امتیاز ویژه بر اساس زبان، فرهنگ، نژاد، ملیت و قومیت باید غیر قانونی اعلام شود. ما معتقدیم بهترین و مناسب‌ترین شکل این وحدت، خودمختاری ملل ساکن ایران در چارچوب جمهوری دموکراتیک و انقلابی ایران می‌باشد.

ه - اقدامات بسود کارگران و ایجاد شرایط برای شکوفائی مبارزه‌ی طبقاتی کارگران.

- به رسمیت شناختن حق اعتصاب بمتابه طبیعی‌ترین حق کارگران در مبارزه علیه سرمایه‌داران.

- ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته، یک ماه مرخصی سالیانه با حقوق کامل بمتابه‌ی فوری‌ترین خواست کارگران.

— ممنوعیت اضافه‌کاری، شب‌کاری در تمام رشته‌ها، مگر در مواردی که مطلقاً ضروریست و مورد تأیید تشکلهای کارگری می‌باشد.

— ممنوعیت استخدام کودکان در سنین کودکی طبق آخرین استانداردهای بین‌المللی مربوط به سن کار. ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه‌ی جریمه، خسارت و غیره.

— افزایش متناسب دستمزد کارگران، بیمه‌ی کامل اجتماعی کارگران، بیمه‌ی بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، امراض ناشی از حرفه، از کارافتادگی و صدمات. پرداخت حقوق معادل مخارج یک خانواده‌ی زحمتکش به کارگران بیکار. برقراری کنترل کامل و سازمان‌یافته‌ی بهداشتی بر کلیه‌ی بنگاه‌ها.

— ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت حقوق کامل دوران بیماری، تدوین قانون کار انقلابی توسط کارگران که به تصویب اتحادیه‌ی سراسری کارگران ایران برسد.

و — اقدامات در زمینه‌ی کشاورزی و حقوق دموکراتیک دهقانان شامل:
ضبط فوری کلیه‌ی اراضی، املاک و ابزار و وسایل تولید ملاکین بزرگ، زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای بزرگ مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده در ارگان‌های توده‌ای (اتحادیه، شوراها، کمیته‌های دهقانی و ...). پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مصادره‌ی اراضی مادام که جنبه‌ی انقلابی و دموکراتیک داشته و به کشت تعاونی شورائی خدشه وارد نکند. در این مورد اراضی مکانیزه و بطور کلی زمین‌هایی که به شیوه‌ی سرمایه‌داری پیشرفته کشت می‌شوند، بدون اینکه تقسیم بشوند ملی و تحت کنترل نهادهای دموکراتیک دهقانی اداره می‌شوند.

تشویق به متشکل شدن دهقانان خرده‌پا در تعاونی‌ها و تشویق آنها به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرفه‌جویی در کار و هزینه‌ی محصولات و نیز انتقال به کشت تعاونی بمثابه‌ی یک مرحله از رشد تولید کشاورزی. لغو کلیه‌ی بدهی‌ها و دیون دهقانان به دولت، بانک‌ها، موسسات مالی، ملاکین بزرگ، سرمایه‌داران بزرگ و رباخواران. پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تأمین هر گونه کمک تکنولوژیک و نیز توسعه‌ی شبکه‌های آبرسانی و آبیاری و نیز برق سراسری، ملی شدن کلیه‌ی اراضی، مراتع، جنگل‌ها و همه‌ی منابع طبیعی زیرزمینی بدین ترتیب که کلیه‌ی آنها

در تملک دولت انقلابی و دموکراتیک قرار گرفته و حق بهره‌برداری از آنها به عهده‌ی ارگان‌های توده‌ای دهقانی واگذار می‌شود. اقدامات رفاهی از قبیل برق، آب، مسکن، بهداشت و دیگر تسهیلات برای دهقانان و عشایر باید صورت پذیرد. صید ماهی تحت کنترل و نظارت دولت و ارگان‌های توده‌ای صیادان صورت می‌گیرد.

۵ - پایان بخشیدن به جنگ ارتجاعی ایران و عراق از طریق یک صلح دموکراتیک.

از آنجا که رژیم خمینی عامل اصلی ادامه‌ی جنگ در شرایط کنونی می‌باشد، باید بلافاصله پس از سرنگونی رژیم با برقراری یک آتش‌بس فوری، مذاکره در جهت برقراری یک صلح دموکراتیک بر اساس حفظ استقلال، عدم دخالت در امور داخلی و حق تعیین سرنوشت اقدام نمود.

به محض برقراری آتش‌بس، باید با اتکاء به نیروی توده‌ها و با اختصاص اعتبار کافی، بازسازی مناطق جنگ‌زده آغاز شود و اقدامات فوری در جهت تامین کار، بهداشت و مسکن برای آوارگان به مرحله‌ی اجرا درآید.

۶ - مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در جهت استقلال اقتصادی بمنظور مبارزه با خطر فلاکت و قحطی.

الف - در این رابطه باید سرمایه‌های بزرگ (سرمایه‌های سرمایه‌داران بزرگ، صاحبان صنایع، موسسات بانکی و مالی، زمینداران و تجار بزرگ و شرکت‌ها و موسسات امپریالیستی و موسسات و بنیادهای وابسته به روحانیون) بدون پرداخت غرامت صادره و ملی شود. تولید در تمام صنایع، کارخانه‌ها و موسسات باید تحت کنترل و نظارت کارگری قرار گرفته و تمام کارخانه‌های تعطیل شده دوباره بکار انداخته شوند. در جهت تامین مواد اولیه با حفظ استقلال سیاسی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی و مترقی در جهت تغییر خط تولید و پی‌ریزی صنایع سنگین، این تغییر از خط مونتاژ و تولید وابسته صورت گیرد.

ب - ملی کردن بانک‌ها و متحد ساختن آنها در یک بانک واحد. همچنین کلیه‌ی موسسات مالی نظیر شرکت‌های بیمه باید ملی و در یک موسسه‌ی واحد متمرکز گردند.

ج - تمرکز اجباری صاحبان صنایع در سندیکاها و برقراری کنترل کارگری بر آنها. این مساله شامل سرمایه‌داران و کارفرمایانی می‌شود که در مرحله‌ی

انقلاب دموکراتیک سرمایه‌ی آنها ملی نمی‌شود. (سرمایه‌های متوسط و کوچک) د - ملی کردن تجارت خارجی، توزیع برنامه‌ریزی شده و تنظیم امور مصرف.

ضمن ملی کردن تجارت خارجی از فشار روی کسبه و تجار کوچک و متوسط کاسته شود و توزیع برنامه‌ریزی شده در جهت منافع محرومان جامعه (کارگران و زحمتکشان) صورت پذیرد.

ه - الغاء اسرار بازرگانی از طریق علنی شدن حساب دخل و خرج رژیم‌های وابسته و رژیم کنونی و حامیان آن در مرحله‌ی اول و سپس از طریق کنترل واقعی بر تولید و توزیع که بدون الغاء اسرار بازرگانی ممکن نیست در جهت جلوگیری از چپاول و غارت مردم و بدست آوردن سودهای کلان توسط سرمایه‌داران اقدام شود.

و - افشاء و لغو تمام قراردادهای اسارت‌بار با امپریالیسم.

۷ - تامین نیازهای اجتماعی و عمومی مردم.

- مبارزه با افزایش قیمت‌ها

- برقراری سیستم تصاعدی مالیات بر ثروتمندان و تعدیل و معافیت

مالیات زحمتکشان

- اتخاذ سیاست‌های انقلابی و منکی بر مردم برای حل مشکل مسکن و

تعدیل اجاره بها

- بهداشت و درمان برای همه از طریق شرکت و مداخله‌ی جدی دولت در

امور پزشکی، داروئی و درمانی و رایگان نمودن آن برای همه‌ی مردم زحمتکش

- آموزش رایگان برای همه

۸ - سیاست خارجی ایران انقلابی و دموکراتیک بر اساس استقلال،

حق تعیین سرنوشت و احترام متقابل بین‌المللی است. دولت انقلابی،

دموکراتیک و مردمی ایران از تمامیت ارضی ایران دفاع نموده و از مبارزه‌ی

ملل تحت ستم برای استقلال و دموکراسی، از مبارزه‌ی کارگران جهان علیه

امپریالیسم و انحصارات و از مبارزه‌ی کشورهای سوسیالیستی و مترقی علیه

امپریالیسم و نیز از مبارزه برای صلح و تشنج‌زدائی حمایت می‌نماید و متقابلاً

بر اساس حفظ استقلال و منافع متقابل در مسیر توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و

قطع هرگونه وابستگی انتظار کمک از آنها را دارد. از اعلامیه‌ی جهانی حقوق

بشر و مبارزه‌ی دموکراتیک جنبش غیر متعهدها حمایت نماید. از مبارزه‌ی

خلق‌های منطقه و بویژه از مبارزه‌ی خلق قهرمان فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم حمایت فعال صورت گیرد.

گارگران، دهقانان و زحمتکشان، روشنفکران انقلابی، کسبه، اصناف، سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست و انقلابی:

تحقق اهداف انقلاب این مرحله از طریق مبارزه‌ی قاطع و انقلابی شما علیه رژیم خمینی بمتابه‌ی کانال اصلی مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در شرایط کنونی میسر می‌شود. پیرامون پرچم و برنامه‌ی مرحله‌ای سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران متحد شوید. با شرکت در هسته‌ها و کمیته‌های سیاسی - نظامی مقاومت مردمی در سراسر ایران، با دفاع و حمایت از شورای ملی مقاومت و فشرده‌تر کردن هر چه محکم‌تر صفوف خود، برای رهائی، دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی به مبارزه برخیزید. به تمام اشکال مبارزه حول محور مبارزه‌ی مسلحانه مبادرت نمائید. از مبارزه‌ی پرسنل انقلابی ارتش علیه جنگ‌افروزی خمینی حمایت و به آنهایی که از جبهه‌های جنگ فرار می‌کنند و یا در خطوط تدارکاتی نیروهای جنگی رژیم خلل وارد می‌کنند کمک و حمایت کنید. پیروزی از آن ماست. کارگران و زحمتکشان سراسر ایران، پاسدارای از سنن مبارزاتی خلق کبیر ما، پاسداری از خون دهها هزار شهید به خون خفته‌ی خلق در ادامه‌ی مبارزه برای سرنگونی رژیم کنونی در گام نخست و سپس ادامه‌ی مبارزه با گام‌های استوار و سنجیده برای ساختمان ایرانی مستقل، دموکراتیک مدافع صلح و سوسیالیستی می‌باشد. در این راه پر شکوه پیروزی از آن توده‌هاست. پس بکوشیم تا بر اساس پاسخ صحیح به ضروریات مرحله‌ی کنونی انسان‌هائی آزاد و انقلابی بوده و در این راه از فدا کردن جان خود بعنوان گرانبهاترین چیز برای یک انسان دریغ نورزیم.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

پیروز باد مبارزه برای استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم
نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش
زنده باد انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی و توده‌های خلق‌های سراسر ایران
سرنگون باد رژیم خمینی (جمهوری اسلامی)

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

در اهتزاز باد پرچم خونین و پرافتخار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

بخش سوم

شورای ملی مقاومت و موضع مارکسیست - لنینیست ها در قبال آن

مسأله‌ی برخورد با شورای ملی مقاومت و چگونگی موضع در قبال آن یکی از مسائل حاد جنبش انقلابی ایران است. علیرغم تبلیغاتی که رهبری تئوریک جریان سکتاریستی حاکم بر سازمان اقلیت مبنی بر اینکه "شورای ملی مقاومت" به موجودی "مرده"، "محتضر" و "بی‌اعتبار در میان توده‌ها" تبدیل شده، کماکان بحث شورا و نیروهای درون آن موضوع حاد تئوریک و سیاسی است. وجود سازمان مجاهدین خلق ایران در محور این شورا و نیز حزب دموکرات کردستان ایران به مثابه‌ی ستون مهم دیگر این شورا، آن وضعیتی را برای این ارگانیسم اجتماعی بوجود آورده است که هیچ تحولی در مرحله‌ی کنونی جامعه‌ی ما نمی‌تواند بدون عبور از کانال "شورای ملی مقاومت" تحقق یابد. بویژه "بن‌بست قدرت در رژیم جمهوری اسلامی" در حل صدها مسأله‌ی لاینحل که با آن روبروست از یک طرف و از طرف دیگر فقدان آلترناتیو شکل گرفته و قابل اجرا برای امپریالیسم آمریکا بمانابه‌ی امپریالیستی که ایران یکی از اقمار مهم آنست، شورا در وضعیتی قرار گرفته که ضد انقلاب حاکم "رژیم خمینی" و امپریالیسم "ضد انقلاب مغلوب" (مزدوران امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا) برای حل مسائل خود راهی جز نابودی نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق که در کانون شورای ملی مقاومت قرار گرفته، ندارند. در این شرایط مشخص موضع‌گیری نیروهای م - ل بطور اعم و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بطور اخص برای جنبش کمونیستی اهمیت حیاتی خواهد داشت. چگونگی موضع پرولتاریا در قبال صف‌بندی نیروهای مختلف طبقاتی یکی از اساسی‌ترین معیارهای سنجش یک خط‌مشی سیاسی است. هیچ جریان اجتماعی نمی‌تواند در دوران انقلابی در یکی از صف‌بندی‌های انقلاب و ضد انقلاب قرار نگیرد. شیوه‌ی برخورد کنگره‌ی اول ما با شورای ملی مقاومت از این جنبه موضعی دوگانه و تردیدآمیز است و این نه بخاطر عدم درک این اصول، بلکه بخاطر وجود صف‌بندی‌های درون کنگره‌ی اول است. برای این باید در مرحله‌ی اول به این سوال پاسخ دهیم که آیا ارگانیسمی اجتماعی بنام شورای ملی مقاومت صرفنظر از هر ایرادی که بدان وارد بدانیم وجود خارجی دارد یا نه؟ اگر جواب منفی باشد بنابراین همه‌ی هیاهوها و

سخن‌پراکنی‌هایی که هدف آن افشاء شورا می‌باشد به اقداماتی باطل تبدیل می‌شود. زیرا افشاء آنچه وجود ندارد به ذهنی‌گری در بین توده‌ها دامن می‌زند و شگفت اینست که رهبری تئوریک اقلیت، ذهن‌گری خود را با این سخن که شورا "مردده" و "محتضر" است به نمایش می‌گذارد. ما در گام اول خود را از این گروه جدا می‌کنیم و بر این اعتقادیم که "شورا" وجود خارجی داشته و بمثابه‌ی یک ارگانیزم اجتماعی و آلترناتیو سیاسی دارای عملکرد است. بنابراین باید به این سوال پاسخ دهیم که در صف‌بندی انقلاب و ضد انقلاب "شورا" در کدام طرف قرار گرفته است. نقطه‌ی ضعف تحلیلی کنگری اول در عدم پاسخگویی به این مسئله و اظهارنظر صرف روی برنامه‌ی شورا می‌باشد. این التقاط در موضعگیری روی شورا، سازمان را از درون می‌سائید. برخورد منفعلانه با طرح صلح شورا، عدم حمایت از شب کردستان در اروپا بمثابه‌ی یک اقدام انقلابی و دموکراتیک ناشی از همین موضع می‌باشد. تحلیل برنامه‌ی شورا جزئی از متد مارکسیستی تحلیل یک نیروی اجتماعی است. تحلیل دقیقاً مارکسیستی بر پایه‌ی این امر قرار دارد که برای بررسی یک جریان اجتماعی باید برنامه، ترکیب اجتماعی، سابقه‌ی تاریخی و نهایتاً عملکرد آن را به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مد نظر قرار داد. در گام دوم ما خود را از کسانی که صرفاً شورا را با برنامه‌اش ارزیابی می‌کنند و متد مارکسیستی تحلیل پدیده‌ها را مسخ می‌کنند، جدا می‌سازیم.

شورای ملی مقاومت یک ارگانیزم اجتماعی و یک آلترناتیو سیاسی است که ماهیت آن را صرفنظر از ماهیت طبقاتی تک‌تک اعضای آن نمی‌توان جدا از ماهیت دو نیروی عمده‌ی آن یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه‌ی قدرتمندترین سازمان انقلابی سراسری و حزب دموکرات کردستان ایران بمثابه‌ی قدرتمندترین سازمانی که برای بدست آوردن خودمختاری در ایران مبارزه می‌کند بررسی نمود. سازمان مجاهدین و حزب دموکرات به علت یک ضرورت تاریخی بوجود آمده‌اند و تا هنگامی که این ضرورت تاریخی وجود داشته باشد، الزاماً این نیروها وجود دارند. ما معتقدیم نیروهای دموکراتیک - انقلابی و ترقیخواه در وضعیت عینی موجود در جامعه‌ی ایران فی‌نفسه وجود دارند و این تئوری که وجود اینگونه نیروها را با چگونگی وضعیت جنبش کمونیستی مربوط می‌سازد اساساً یک تئوری ضد مارکسیستی است. (۱۱)

معتقدین به این تئوری اساساً هیچ درک روشنی از مجموعه‌ی تجربیات انقلابی

در عصر کنونی و بویژه در کشورهای تحت سلطه ندارند. بویژه هنگامیکه این تئوری را کسانی مطرح می‌کنند که معتقدند با نیروهای امثال پیکار و (جریانات موسوم به خط ۳) مرزبندی قاطع دارند عمق پیوندشان را با این جریانات به نمایش می‌گذارند. در هیچ تحول اجتماعی در مرحله انقلاب دموکراتیک نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. سکتاریسم و ذهنی‌گری به مجموعه نیروهای اجتماعی که طبقه‌ی کارگر نیز جزئی از آنست توجه نکرده و اگر چه ظاهراً در ذهن خود مبادرت به "تفکیک طبقاتی" به منظور مبارزه‌ی متحدانه علیه دشمن عمده می‌ورزد ولی در عمل به "جدائی خود" از توده‌ها و طبقه‌ی کارگر اقدام می‌کند. تمام سیاست‌هایی که اینگونه رابطه‌ی مبارزه‌ی مستقل و متحد یک طبقه را با طبقات دیگر بررسی می‌کنند، پروسه‌ی شکست خود را تسریع می‌نمایند. اما ما با توجه به عملکرد (یعنی مبارزه‌ی انقلابی علیه ارتجاع حاکم بمثابه‌ی پایگاه اجتماعی امپریالیسم در مرحله‌ی کنونی و کانال تامین منافع و سلطه‌ی امپریالیسم)، سابقه‌ی تاریخی، ترکیب طبقاتی و نیز برنامه‌ی هر کدام از نیروها و نیز بعلت موضعگیری دو نیروی مهم شورا در رابطه با صف‌بندی‌های نیروهای جهانی، شورا را بویژه در رابطه با نیروی محوری آن در مجموع دموکراتیک، انقلابی و در صف انقلاب می‌دانیم. بخصوص که این نقش محوری از جانب سایر اعضا نیز به رسمیت شناخته شده است. این سومین موردیست که ما خود را از دیگران جدا می‌سازیم و معتقدیم "شورا" علیرغم کمبودها و نارسائی‌هایی که داشته و دارد و علیرغم مسائلی که در رابطه با صف‌بندی درون آن و چگونگی تشکیل آن باید مورد توجه قرار گیرد، تنها آلترناتیو دموکراتیک موجود در جامعه‌ی ماست. ما که خود را در رابطه با مبارزه‌ی انقلابی و دموکراتیک شورا علیه رژیم ارتجاعی کنونی بی‌طرف نمی‌دانیم، در رابطه با تضادهای درونی شورا (که علل اجتماعی و طبقاتی معین دارد) و چگونگی تحول‌پذیری آن در یک مسیر متکامل‌تر و رشدیابنده‌تر نیز خود را بی‌طرف ندانسته و همواره به میزان تاثیر اجتماعی واقعی خود در این امور مداخله‌ی جدی می‌نمائیم.

این ارگان‌نیم اجتماعی اولین تجربه‌ی تاریخی اتحاد نیروهای اجتماعی موجود در جامعه‌ی ایران، به مثابه‌ی اولین تجربه‌ی اتحاد نیروهای انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی، که شکست یا تداوم آن در شکست یا تداوم و (نه پیروزی قطعی) مبارزه‌ی خلق‌های ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع نقش

تعیین کننده دارد، است. ما که در مرحله کنونی برای پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران مبارزه می‌کنیم، این پیروزی را نه با شکست نیروهای انقلابی دیگر بلکه در تداوم مبارزه‌ی آنها قابل تحقق می‌دانیم و از اینرو معتقد به تقویت شورا در کلیت آن و حمایت فعال از مبارزه‌ی انقلابی و دموکراتیک نیروهای تشکیل دهنده‌ی آن می‌باشیم.

خصلت تحویل‌پذیری این شورا از یک طرف و مبارزه‌ی شورا علیه نیروهای ضد انقلابی مغلوب در جامعه‌ی ما که وابسته به امپریالیسم جهانی هستند، آن بستریست که نیروهای م - ل می‌توانند با اتخاذ سیاست انقلابی اتحاد - انتقاد با شورا و با تاکید بر عمده بودن اتحاد نیروهای انقلابی به حل و فصل آن موانعی که بر سر راه تشکیل حزب کمونیست یعنی ستاد رزمنده‌ی طبقه‌ی کارگر، که پیروزی نهائی انقلاب دموکراتیک و گذار به سوسیالیسم منوط به رهبری این طبقه می‌باشد، بپردازند.

نقطه‌ی وحدت ما با کلیت این شورا "همانگونه که در کار شماره‌ی ۱۲۱ نوشتیم"، می‌تواند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، برقراری دولت موقت انقلابی بمثابه‌ی ارگان قیام پیروزمندانه‌ی خلق، که عاجل‌ترین وظیفه‌ی آن فراخوان تشکیل مجلس موسسان انقلابی و دموکراتیک با تضمین‌های لازم است، باشد. پایه‌ی اصلی این تضمین مبارزه‌ی متحدانه، قاطع و مسلحانه‌ی مجموعه‌ی نیروها و خود ما و هر چه بیشتر تسلیح عمومی مردم می‌باشد. این نقطه وحدت مبارزه‌ی دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما است. اما ما هرگز به خود حق نمی‌دهیم که از تبلیغ و ترویج همیشگی خود پیرامون برنامه‌ی سوسیالیستی خود، از تبلیغ و ترویج مبارزه برای جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر بمثابه‌ی اولین گام نهائی در جهت گذار به سوی سوسیالیسم، از مبارزه برای دست‌یابی به وحدت نظری و عملی انقلابیون م - ل در حزب کمونیست ایران، دست برداریم. ما معتقدیم پیوستن به شورا مانع موضع انتقادی ما در موارد مختلف به شورا (که باید بررسی جداگانه شود) و تبلیغ برنامه‌ی مستقل خود و نیز مستحکم‌تر نمودن مواضع ضد امپریالیستی - دموکراتیک در داخل شورا نمی‌شود و نباید بشود.

در برخوردی انتقادی با شورا و نیروهای متشکله‌ی آن سیاست ما در مسیر تقویت تمایلات دموکراتیک - ضد امپریالیستی باید بنحوی باشد که:
الف - جبهه‌ی دموکراتیک در کلیت آن تضعیف نشود.

ب - موجب انفعال و سرخوردگی توده‌های مردم در مقابل رژیم حاکم نگردد و بتواند هر خلأیی را نه در حرف بلکه در عمل پر کند .

ج - به همان میزان که این مبارزه در وجه سیاسی - ایدئولوژیک ما را از دیگران جدا می‌سازد، نیروهای اجتماعی ما را تقویت سازد .

ما این حقوق را برای نیروهای دیگر درون شورا نیز قائل هستیم . این چهارمین و نهائی‌ترین گامیست که ما را از نیروهای دیگر جدا می‌سازد . همچنین باید روشن نمائیم که سیاست ما در درون شورا بر اساس پافشاری روی نظراتمان برای قبول آن از طرف نیروهای دیگر می‌باشد . ما این سیاست را بر طبق بخش دوم این برنامه یعنی وظائف مارکسیست - لنینیست‌ها در شرایط کنونی به شکل اصولی پیش خواهیم برد .

گسترده‌تر باد مبارزه‌ی مسلحانه‌ی رهایی‌بخش و انقلابی مردم ایران

برای سرنگونی رژیم خمینی

مستحکم‌تر باد اتحاد عمل انقلابی تمام نیروهای انقلابی ضدامپریالیست و دمکراتیک

پیروز باد شورای ملی مقاومت

گرامی باد خاطره‌ی همه‌ی شهدای بخون خفته‌ی خلق و شهدای پرافتخار

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

مهدی سامع (بیژن)

عضو کمیته‌ی مرکزی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

۶۲/۴/۵ کردستان

www.iran-archive.com

توضیحات

توضیحات :

- ۱ - فدائی شهید - رفیق کبیر امیر پرویز پویان
- ۲ - تدوین این برنامه را ما از روزهای بعد از پلنوم برای طرح در درون تشکیلات و بحث پیرامون آن به منظور پیشبرد مبارزه‌ی ایدئولوژیک در جهت تدارک کنگره‌ی دوم آغاز کردیم . حوادث بعدی و ضرورت انتشار بیرونی آن همراه با خنثی‌کردن توطئه‌های جریان سکتاریستی حاکم بر سازمان مدتی تدوین آن را به تاخیر انداخت و سرانجام در اوایل تیر ماه ۶۲ تدوین این برنامه در کردستان خاتمه یافت . پس از بررسی نهائی اکنون آن را قابل انتشار می‌دانیم . اگر چه ما خود را موظف به تشریح هر چه بیشتر این برنامه می‌دانیم ولی خوانندگان برنامه‌می‌توانند برای درک مهمتر آن به آثار زیر مراجعه نمایند .
- الف - نبرد با دیکتاتوری شاه بمثابه‌ی عمده‌ترین دشمن خلق و ژاندارم امپریالیسم - رفیق شهید بیژن جزنی
- ب - سلسله مقالات "پرولتاریا و آزادی‌های دموکراتیک" مندرج در کار از شماره ۱۲۱ تا ۱۳۳
- ج - برنامه‌ی جبهه‌ی فارابومارتنی برای انقلاب السالوادور مندرج در کار ۱۶۳
- د - سلسله مقالات مندرج در "کار" در رابطه با مجلس موسسان ، و نیز مقالات مربوط به شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی"
- ه - بخش اول سخنرانی لنین در هشتمین کنگره‌ی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره‌ی برنامه حزب که در آن لنین قشربندی‌های مادون بورژوازی انحصاری را در ساخت امپریالیستی تشریح می‌کند .
- و - مقالات مندرج در "ریگای گل" تحت عنوان "جنبش ملی دموکراتیک خلق کرد و مواضع ما"
- ز - مقاله‌ی "مارکسیسم و مسئله‌ی ملی" مندرج در "ریگای گل" شماره‌ی ۵ نوشته‌ی یکی از رفقای تحریریه‌ی "ریگای گل"
- ح - مقاله‌ی "مسئله‌ی ارضی ، جنبش دهقانان و سیاست ما" مندرج در نشریه‌ی تئوریک داخلی (شماره‌ی ۲) نوشته‌ی یکی از رفقای مرکزیت سازمان و نیز ۲ مقاله‌ی مندرج در نشریه‌ی تئوریک داخلی (شماره‌ی ۳) پیرامون شورای ملی مقاومت
- ۳ - آغاز تغییر جهانی در عصر در تاریخ جهان ، عصر بورژوازی و عصر

سوسیالیسم لنین مجموعه آثار جلد ۳۱ در پاسخ به نامه‌ی سرگشاده به یک متخصص بورژوازی (۱۹۱۹)

۴ - سرنگونی سرمایه‌داری و بقایای آن و تاسیس نهادهای نظام کمونیستی محتوی عصر نوینی از تاریخ جهان است که اینک آغاز شده است .
لنین مجموعه آثار جلد ۳۱ (۱۹۱۹)

۵ - (جنگ جهانی اول) ادامه‌ی سیاست‌های امپریالیستی دو گروه از قدرت‌های بزرگ بود . این سیاست‌ها معلول مناسبات عصر امپریالیستی بود و از آن نیرو می‌گرفت ، ولی خود این عصر می‌بایست به ناگزیر موجب پیدایش سیاست‌های مبارزه علیه ستمگری ملی و مبارزه‌ی پرولتری علیه بورژوازی و متعاقب آن نیز احتمال و اجتناب‌ناپذیری در درجه‌ی نخست قیام‌ها و جنگ‌های ملی انقلابی و سپس جنگ‌ها و قیام‌های پرولتاریا علیه بورژوازی و ثالثاً ترکیب این هر دو نوع جنگ‌های انقلابی و غیره می‌شد و به‌آنها نیرو می‌بخشد .
لنین مجموعه آثار جلد ۲۳

۶ - "بدین ترتیب می‌توان دریافت که کلیه‌ی مسائل اصلی جنبش انقلابی در مستعمرات و نیمه مستعمرات دارای ارتباط نزدیک با مبارزه‌ی بزرگ تاریخی مابین دو رژیم سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌باشد . مبارزه‌ای که در حال حاضر در مقیاس جهانی از طرف امپریالیست‌ها علیه اتحاد شوروی سوسیالیستی و در داخل هر کشور سرمایه‌داری جداگانه مابین دستگاه حکمرانی طبقاتی بورژوازی و نهضت کمونیستی جریان دارد . در این مبارزه همکاری پرولتاریای انقلابی تمام جهان با توده‌های زحمتکش مستعمرات ، مطمئن‌ترین ضامن پیروزی بر امپریالیسم می‌باشد " . . . و یا " بدین نحو دوران امپریالیسم یعنی دوران جنگ‌ها و انقلابات ، به منزله‌ی افتتاح دورانی است که در طی آن دیکتاتوری پرولتاریا بوجود می‌آید و دورنمای کاملاً نوینی را برای تکامل مردم مستعمرات می‌گشاید " . . .

بخشی از تز شماره‌ی ۸ از تزه‌ای ششمین کنگره‌ی انترناسیونال سوم (۱۹۲۸)
از ص ۱۵ کتاب کمونیست‌ها و جنبش‌های رهائی بخش ملی

۷ - سیاست اصلی امپریالیسم حفظ هژمونی جهانی آنست (له‌دوان)

۸ - مبارزه‌ی ملی ، قیام ملی و جدا شدن ملی کاملاً "تحقق یافتنی" بوده و عملاً در دوران امپریالیسم مشاهده می‌شود و حتی می‌روند که شدت یابند ، زیرا امپریالیسم توسعه‌ی سرمایه‌داری و افزایش گرایش‌های دموکراتیک

در میان توده‌های مردم را متوقف نمی‌سازد، بلکه آشتی‌ناپذیری میان این
تمايلات دموکراتیک و گرایش ضد دموکراتیک تراستها را حاد می‌کند.
لنین - کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره‌ی اکونومیسم امپریالیستی (اوت -
اکتبر ۱۹۱۶)

۹ - انترناسیونالیسم در کردار، یکی و فقط یکی است و آن هم کار
بی‌دریغ در راه توسعه‌ی جنبش انقلابی و مبارزه‌ی انقلابی در کشور خویش و
پشتیبانی (از راه تبلیغات و همدردی و کمک مالی) از این مبارزه و این خط
مشئ و فقط این خط مشئ بدون استثناء و در تمام کشورهاست.

لنین - وظایف پرولتاریا در انقلاب ما (تاکید از لنین)

۱۰ - لیکن در کشورهای توسعه‌نیافته، در کشورهایی که آنها را، در
مقوله‌ی دوم و سوم دسته‌بندی کردیم (پاراگراف ششم تزهایمان)، یعنی
در تمام اروپای شرقی و همه‌ی مستعمرات و نیمه مستعمرات وضع طور دیگری
است. در اینجاها طبق قاعده‌ی عام هنوز ملت‌های تحت ستم و توسعه‌نیافته
از نقطه نظر سرمایه‌داری وجود دارند. در این ملت‌ها، هنوز بطور عینی
وظایف ملی جامعی، و دقیق‌تر وظایفی دموکراتیک موجودند که عبارتند از
کنار زدن یوغ ملت خارجی
لنین - کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره‌ی اکونومیسم امپریالیستی
(اوت - اکتبر ۱۹۱۶)

۱۱ - به بخش متحدین پرولتاریای ... از کتاب "نبرد با دیکتاتوری"
شهید جزنی مراجعه شود.

"اگر قرار باشد مباحثه بی‌ثمر
نیاشد، اگر قرار باشد مباحثه به
سطح رقابت‌های شخصی تنزل نکند،
اگر باید مباحثه به آشفته فکری
نیانجامد و اگر باید به مخدوش
کردن مرز میان دشمنان و دوستان
منجر نشود، مطلقاً ضروری است که
مسئله‌ی برنامه به بحث گذاشته‌شود".
لنین

"بدیهی است در این مبارزه آتش‌بس وجود ندارد.
همانطور که جنبش با رژیم پیگیرانه می‌جنگد، همانطور که
تداوم اعمال قهر انقلابی سنگ‌بنای حیات جنبش و شرط
لازم برای تکامل آن است، همان‌طور هم مبارزه با
اپورتونیسیم و هرگونه گرایش انحرافی در درون جنبش باید
دائماً ادامه یابد، با دگمانیسیم بدون هراس مبارزه شود و
امکان داده نشود که جنبش در این آغاز جوانی خود به
عوارض پیرانه دچار شود. و به این خاطر است که در حال
حاضر مبارزه با اپورتونیسیم راست که در بیرون از جنبش
مسلحانه کمین کرده است، از کانال مبارزه با اپورتونیسیم
چپ در درون جنبش انقلابی مسلحانه می‌گذرد و از این
طریق است که می‌توان اپورتونیسیم را در چهره‌ی راست و
چپ آن به ورشکستگی کشاند".

فدائی شهید رفیق کبیر بیژن جزئی